

## مدیریت حوزه‌های علمیه و مراکز آموزشی

اثر محمدحسن نبوی



کتاب را که ورق می‌زنی، جزیی‌نگری‌اش نظرت را جلب می‌کند و در عین حال، مبانی و کلیات را نیز از دست نداده‌ای و نسبت به آن‌ها متقاعد شده‌ای. البته که معمولا اختلافی در کلیات نیست و بیشتر اگر اختلافی هم هست در اجراست. می‌گرددی که سرنخی، راهکاری، اکسیری در این کتاب بیابی تا به کارگیری و آسیب‌های موجود را برای رسیدن به اهداف عالی‌ه برطرف نمایی. البته ته ذهنت فعالیت‌ی تشکیلاتی، مؤمنانه، مجاهدانه یا همان «اردوی جهادی» خودمان، خلجان دارد اما اثری از آن نمی‌یابی. وقت می‌گیری، می‌روی مدرسه صدوقی و گفتگو می‌کنی با نویسنده‌اش. او که سال‌ها خودش

در میدان تربیت و تعلیم مدیر بوده و حاصل تجاربش را برخلاف بسیاری که در سینه نگه داشته‌اند آورده روی کاغذ، حالا می‌گوید «رشد همه‌جانبه طلاب در اردوهای جهادی قابل تحقق است، زیرا یک فرصت طلایی پیش آمده که طلاب ظرفیت‌های خود را آزاد کرده و در ارتباط با مردم به منصف ظهور برسانند». می‌گوید «مدیر باید خودش در کنار طلبه‌هایش در این اردوها شرکت کند، البته نه فقط برای کارهای پدی - که البته آن هم خوب است - بلکه برای نظارت و ارتباط».

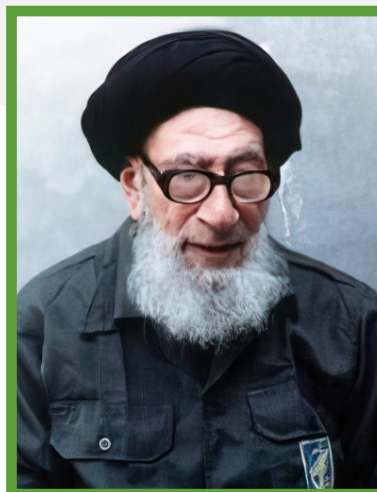
### قاضی بلدالصواریخ!

مسلم عارف

خم می‌شد و دست کارگرها را می‌بوسید! همان‌طور که دست خلبانی را بوسید که به اسکله‌های نفتی یعنی آسیب زده بود؛ همان‌گونه که دست رزمنده‌ی شانزده ساله را بوسیده بود.

۲۷ آذر که گذشت، سالروز اولین حمله‌ی موشکی صدام به دزفول بود. حمله‌ای که سال‌ها ادامه داشت و «الف دزفول» را شهره‌ی عام و خاص کرد. جنگی ناجوانمردانه

که به نام و خدمات آیت‌الله سید مجدالدین قاضی دزفولی گره خورده است. کسی که با وجود برپایی ایستگاه‌های صلواتی، ارسال کمک‌های مردمی به جبهه، یاری‌رسانی به مردم آسیب‌دیده از حملات موشکی، کمک مالی به مردم و تقویت روحیه‌ی آنان با حضور مستمر خود، همیشه دست رزمندگان و خادمان پشت جبهه را می‌بوسید.



از همان اول، بنا نداشتیم که فقط گوینده باشیم؛ می‌خواهیم دعوتان کنیم به نوشتن در این نشریه. شما هم می‌توانید یک ستون، یا تمام محتوای نشریه را به عهده بگیرید و حرفه‌ای‌تان را از این تریبون به گوش طلبه‌ها برسانید.

در شناسه @khatejihad\_admin ای‌تامنتظر مطالب و نظرات شما هستیم.

ماهنامه خط جهاد؛ نشریه تخصصی جهادگران حوزوی   سال اول   ماه دوازدهم   شماره ۱۲	khatejihad	@khatejihad_admin
صاحب امتیاز: دبیرخانه هماهنگی گروه‌های جهادی حوزه‌های علمیه کشور	www.jahadgaranhowzavi.com/mag	
مدیر مسئول: ابوالفضل علیخانی   سردبیر: روح‌الله جلالوند   مدیر هنری: عبدالحمید ابراهیمی نیا	khatejihad.mag@gmail.com   ۰۲۵-۳۲۹۴۲۱۰	
نویسندگان: روح‌الله جلالوند، مسلم عارف، ریحانه سادات هاشمی (شهیدی)   اسایت: مصطفی عربی		

### سوی خانه فاطمه

روایت شیرینی از زندگی حضرت زهرا

أَقْبَلَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ شَيْخٌ مِنْ مَهَاجِرَةِ الْعَرَبِ عَلَيْهِ سَمَلٌ قَدْ تَهَلَّلَ وَ اخْتَلَقَ فَقَالَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَنَا جَائِعٌ الْكَبِيدُ فَأَطْعِمْنِي وَ عَارِي الْجَسَدِ فَأَكْسِنِي وَ فَقِيرٌ فَأَرشِنِي فَقَالَ مَا أَجِدُ لَكَ شَيْئًا أَنْظِلِقُ إِلَيْ مَنْزِلِ مَنْ يُحِبُّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ رَسُولَهُ يُؤْتِرُ اللَّهُ عَلَي نَفْسِيهِ أَنْظِلِقُ إِلَي حَجْرَةَ فَاطِمَةَ

پیرمردی از مهاجرین عرب بالباس‌های کهنه نزد پیامبر آمد و گفت: ای پیامبر خدا! گرسنه‌ام غذا بده، برهنه‌ام مرا بپوشان، فقیرم بی‌نیازم کن. پیامبر فرمود: چیزی ندارم به تو بدهم، به سوی خانه کسی برو که خدا و رسولش را دوست دارند، کسی که خدا را بر خود مقدم می‌دارد، به سوی خانه فاطمه برو.

[منبع: بشارة المصطفی لشيعة المرتضى، ص: ۱۳۸]

# خط جهاد

ماهنامه تخصصی جهادگران حوزوی / دی ۱۴۰۱ شماره ۱۲

## مادر و فرزند جهادی

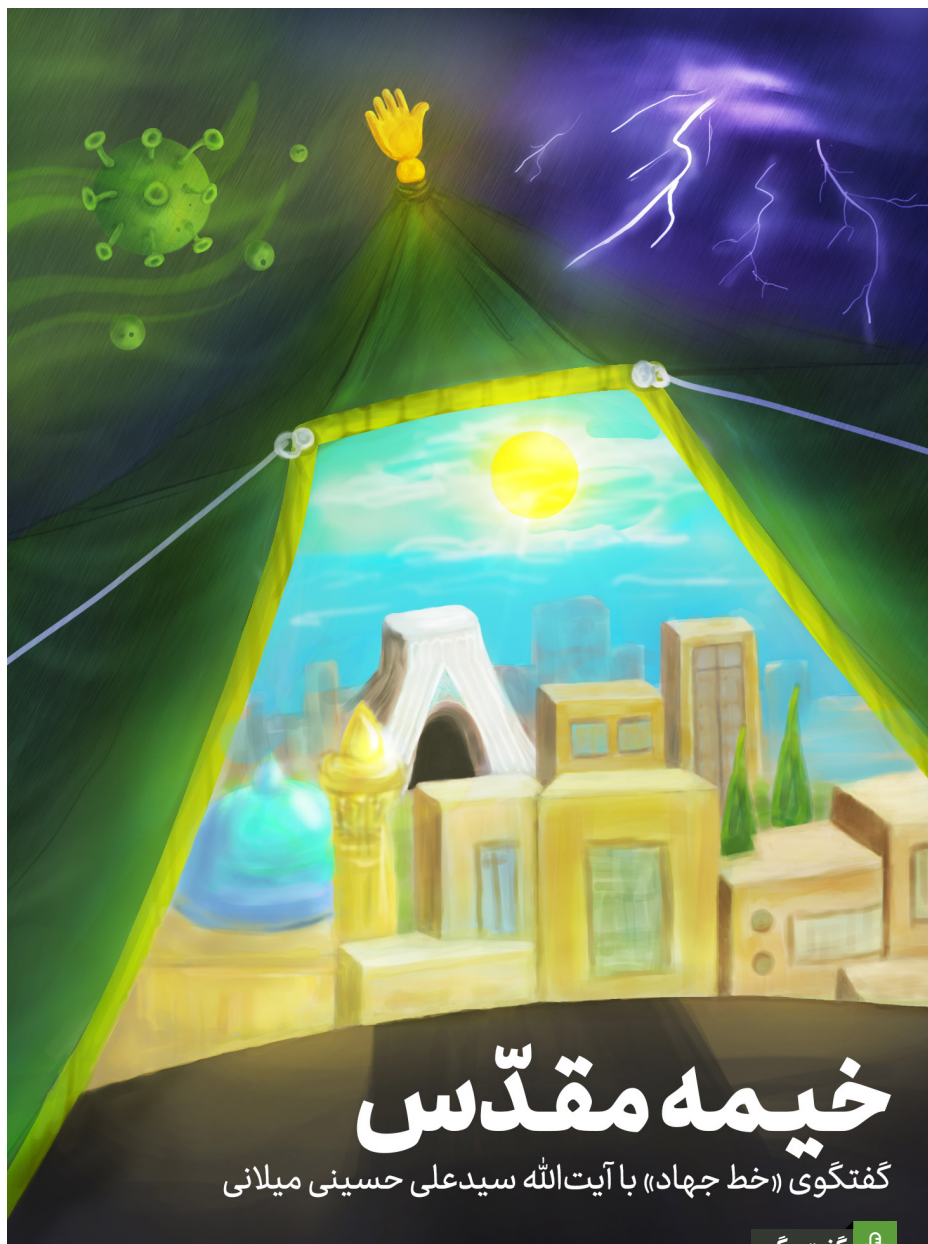
روح‌الله جلالوند

لباس کار که می‌پوشد، بیل و کلنگ را که دست می‌گیرد، به این فکر می‌کند که «کی می‌شود یک روز در بنای حرم تو شرکت کند». آن دفعه که آمده مدینه‌ی تو خیلی به غیرتش برخورده که دختر دردانه پیامبر ﷺ خاتم «مخفیه قبرها» باشد. حالا هم دارد خودش را می‌سازد؛ هم جسمش را و هم روحش را؛ پشت پیراهنش نوشته «بسوی بقیع» یعنی این دیوار را هم که بالا می‌برد به نیت دیوار خانه توست. این را فقط یک شعار ساده نمی‌دانم! عمق راهبردی‌اش چیزی در حد «راه قدس از کربلا می‌گذرد» است. مگر تو هم نمی‌نشستی سر راه کاروان‌ها تا صدای گریه‌ات برسد به نواحی دوردست عالم؟ خب این اتفاق افتاد! او فریاد تو را شنید. حالا خودش کاروانی راه انداخته؛ همه جا از تو می‌گویند، و تا جان‌ها را مشتاق‌تر کند برای جلب مهربانی تو، خدمت می‌کند به همه، حتی به آنکه عقیده‌اش چیز دیگری است بلکه آن کاری را کند که تو کردی؛ فریادی باشد علیه ظلم و گامی باشد در راه حق. پدربند حاکم بود، حاکم کل، پایتخت حکومتش هم همان مدینه بود نه جای دوری که نتوان به آن دست پیدا کرد ولی تو به جای آنکه یتیم و اسیر و فقیر را به دولت حواله دهی، از افطار خود و فرزندان می‌زنی تا گرهی واکنی از دستان دولت یا که نه، کار عالم را پیش ببری! ای مادر عالم!

بی‌خود نیست جهادی‌ها راحت‌تر مادر صدايت می‌کنند! همه جور به خودت رفته‌اند! مادری‌اند! دلشان ریش می‌شود وقتی فقیری می‌بینند، تو گردن‌بند می‌دهی و لباس عروسی‌ات را و او به دستان خالی‌اش نگاه می‌کند و زور بازویش، آبرویش؛ همین را می‌گذارد وسط و کم نمی‌گذارد. آخر سر هم شرمنده است که چرا دیر آمده! چرا بیشتر نمی‌تواند بماند، چرا به همه نمی‌تواند برسد؟ چرا و چرا و چرا؟ یکی از چراهایش همین است که چرا هر کس خدمتی کند در چشم خلق ارج و قربی می‌یابد ولی تو که این همه خدمت کردی آن همه ظلم دیدی؟! گاهی فکر می‌کنم آن که گردن‌بند گرفت، آن که لباس عروسی‌ات را گرفت، آن یهودی‌ها که مسلمان شدند، آنها کجا بودند آن زمان که تو خودت را به در و دیوار می‌زدی یا بهتر بگویم آن هنگام که تو را ....

نکته‌ای که در زندگی این بزرگوار مهم است، جمع بین زندگی یک زن مسلمان است در رفتارش با شوهر و فرزندان و انجام وظایف‌اش در داخل خانه؛ با وظایف یک انسان مجاهد غیر خستگی‌ناپذیر.

[رهبر معظم انقلاب ﷺ ۱۳۶۸/۹/۲۲]



## خیمه مقدّس

گفتگوی «خط جهاد» با آیت‌الله سیدعلی حسینی میلانی

اندکی پیش از نماز مغرب، جایی در کوچه‌ی هدایت خیابان صفائیه، در حالی که به آرامی قدم بر می‌داشتم، منتظر رسیدن آیت‌الله سید علی حسینی میلانی بودم تا یک گفت‌وگوی صمیمی با ایشان داشته باشم.

وقتی با دردهایی که پشت آرامی حرکاتش پنهان بود از پژوی قدیمی پیاده شد، جلو رفتم و بعد از سلامی و علیکی کوتاه، خیره، پشت سرش راه افتادم و وارد دفترش شدم. خواندن نماز جماعت بدون حضور هیچ کس دیگری و دقیقاً پشت سر یکی از مجتهدان زبردست شیعه، آن چنان لذتی داشت که از یاد نمی‌رود ولی در آن لحظات تمرکز نماز، آن چیزی که توجه مرا به خود جلب کرد، سادگی غیر قابل وصف اتاق و صندلی‌ها و کهنگی فرش و سجاده‌ی آیت‌الله حسینی میلانی بود.

پس از اتمام راز و نیاز، به آرامی روی صندلی نشست و من، در سمت چپ‌اش، دفتر و تلفن همراه خود را روی میز کوچک روبرویم گذاشتم تا مصاحبه را شروع کنم.

ن‌گفته بودید خبرنگارید! می‌خواهید صدا ضبط کنید؟! [ادامه در صفحه سه]

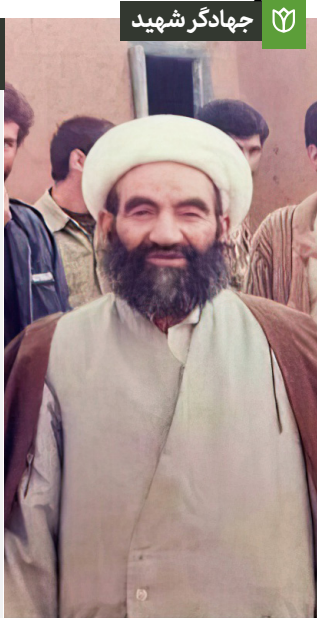


## وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ﴿٢٦﴾

و حقّ نزدیکان را بپرداز، و (همچنین حق) مستمند و وامانده در راه را! و هرگز اسراف و تبذیر مکن! (۲۶)

سوره مبارکه اسراء آیه ۲۶

جهادگر شهید



دست‌نوشته

### جهادگر مدینه

ریحانه سادات هاشمی(شهیدی)، استاد حوزه و عضو هیئت علمی مؤسسه رهپویان سید الشهداء علیه السلام

خاندان اهل بیت علیه السلام در آموزش صدر اسلام جایگاه خاصی داشتند. جایگاه والای فاطمه زهرا علیه السلام نزد پیامبر ﷺ و آموزش آن حضرت توسط نبی ﷺ موجب می‌شد تا زنان برای دریافت پاسخ سوالات خود و خانواده‌شان به ایشان مراجعه نمایند و حضرت زهرا علیه السلام با آغوش باز پذیرای آنان گشته و به سوالات ایشان پاسخ داده<sup>۲</sup> و طریقه‌ی استدلال را به ایشان آموزش می‌داد.<sup>۳</sup> حتی مردان سوالات خود را با واسطه‌ی زنان از فاطمه زهرا علیه السلام پرسیده و پاسخ دریافت می‌کردند.<sup>۴</sup> بانوان پس از انقلاب از این سیره‌ی حضرت فاطمه علیه السلام الگو گرفته و با ورود به عرصه‌های علمی در حوزه‌های علمیه به پاسخگویی به نیازهای خانواده و اجتماع در این راستا پرداختند.

یکی دیگر از مهمترین راه‌های حفظ و گسترش آموزه‌های دینی امر به معروف و نهی از منکر است که حضرت فاطمه زهرا علیه السلام در مسجد در مقابل ابوبکر برای احقاق حق خود محاجه کرد. حضرت فاطمه علیه السلام در پی اثبات اصول اسلامی در مورد امامت سعی

### شهید حجت‌الاسلام والمسلمین محمد توکلی

۱ فروردین ۱۳۰۰ (روستای سربند حومه بروجرد) | ۱۳۶۷ عید قربان

اسارت و شهادت و قطعه‌قطعه شدن به دست منافقان

می‌گفت: «روحانیت سختی‌ها و مشکلات و البته مسئولیت‌های خودش را دارد ولی با صبر و تحمل گذر از این مسیر هم سهل و آسان می‌شود». در کنار حضورش در جبهه، او را با خدمات اجتماعی‌اش در حومه بروجرد می‌شناسند؛ خدماتی همچون «رسیدگی به مستضعفان»، «ساخت مسجد امام محمدباقر علیه السلام»، «بنا و مرمت چندین مدرسه و حمام»، «جاده‌کشی» و «قبول ریاست سازمان آب بروجرد به مدت ۶ ماه و آبرسانی به مناطق محروم و هزینه نگرستن از خانواده‌های تنگ‌دست بابت لوله‌کشی». بعد از قطع‌نامه ۵۹۸ که برای رسیدگی به مناطق جنگ‌زده، راهی کردستان شده بود به محاصره منافقان درمی‌آیند. دوستانش اصرار می‌ورزند که عبا و عمامه‌اش را کنار بگذارد، اما او نمی‌پذیرد. منافقان به خودروی حامل شیخ حمله‌ور شده، اسیرش کردند و به شهادت رسانند. منافقان ددمنش به پیکرش هم رحم نکرده و آن را با تبر قطعه‌قطعه می‌کنند، همان پیکری که در بهشت شهدای بروجرد آرمیده است.

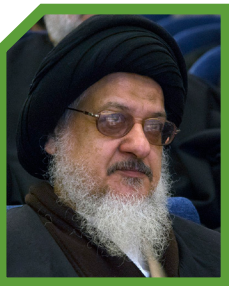
حضرت فاطمه علیه السلام در این رابطه برای احقاق حق قانونی و شرعی خود استدلال آورد و سکوت نکرد.<sup>۱</sup> بانوان جامعه‌ی اسلامی نیز با الگوگیری از حضرت فاطمه علیه السلام در عرصه‌های مختلف اقتصادی وارد شده و ضمن حفظ کرامت زن در خانواده به اقتصاد کشور به صورت مستقیم و غیر مستقیم کمک کردند.

۱. ر.ک: انصاری، الموسوعه الكبرى عن فاطمه عن فاطمة الزهراء علیه السلام، ج ۲۲، ص ۳۰۳، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۳۸، ج ۲۱، ص ۱۲۱، ج ۲۲، ص ۲۸۱، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۳۲، ۳۳۷، ۵۸۷.
۲. انصاری، الموسوعه الكبرى عن فاطمة الزهراء علیه السلام، ج ۲۱، ص ۱۶۳، ۱۶۳.
۳. طبرسی، احتجاج علی اهل اللجاج، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۱۸.
۴. انصاری، الموسوعه الكبرى عن فاطمة الزهراء علیه السلام، ج ۲۲، ص ۶۰۰.
۵. «فقال: لا عهد لي بقوم حضروا أسوأ محضر منكم، تركتم رسول الله ﷺ جازة بين أيدينا، و قطعتم أمرکم بینکم، لم تستأمرونا، و لم تردوا لنا حقا». (ابن قتیبه، الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۳۰).
۶. ابن قتیبه، الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۳۰.
۷. راجی، صعود چهل ساله، ص ۲۶۸، ۲۷۳.
۸. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۵۹۱.
۹. جوهری بصری، السقیفة و فدک، ص ۱۰۳، ۱۰۴.

گفت‌وگو

## خیمه مقدّس

گفتگوی «خط جهاد» با آیت‌الله سیدعلی حسینی میلانی



مطالب را یاد نمی‌گرفتیم و درک نمی‌کردیم و نمی‌توانستیم انجام دهیم. من هم از این باب می‌گویم. آیت‌الله میلانی، طلاب را به شهرها و روستاهای بسیاری می‌فرستادند و توصیه می‌کردند که حتما به مسائل مردم رسیدگی کنند. گاهی اگر توانی داشتند، حمایت می‌کردند و در غیر این صورت از کمک‌های خود مردم به این طلاب می‌داد. آن‌ها حتی از خود مردم آن مناطق که شاید قبل از آن پس‌انداز و بخشی از پول‌شان را صرف لُهو و لعب می‌کردند هم کمک می‌گرفتند و نتیجه‌اش شد صدها پل و غسلخانه و درمانگاه و جاده و غیرهم.

در این لحظه همان آقایی که همه‌کاره‌ی دفتر بود، چای هم آورد. استکان را به دست گرفتم و بدون قند، جرعه‌ای نوشیدم و با نفسی تازه گفتم: ایشان چرا از امکانات دولت آن زمان استفاده نمی‌کردند و به مسئولان زمان پهلوی رو نمی‌انداختند یا خودشان مسئولیت نمی‌پذیرفتند؟ آیا اعتقاد داشتند که خدمت‌رسانی، با سازمان و بودجه‌ی دولتی قابل تحقق نیست؟

جَد ما این طور بود که اگر در جایگاهی قرار می‌گرفت، از تمام امکانات آن برای خیر و برای ترویج اسلام بهره می‌گرفت. فلذا این پهلوی‌ها بودند که اصلا همکاری نمی‌کردند و به فکر مردم و این چیزها نبودند.

اساتید دیگر شما مثل آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله العظمی وحید خراسانی در این زمینه‌ی خدمات‌رسانی چه سیره‌ای دارند؟ شما خاطره‌ای از ایشان دارید؟

بله. این مسائل بسیار است. ولی بهتر است از این شاخه به آن شاخه نپریم. یک وقت دیگری ان‌شاءالله در این مورد صحبت کنیم. پذیرفتم. چایم تمام شده بود و سوالاتم به همراه آن به ته استکان رسیده بود. چند نفری هم آمده بودند و منتظر بودند تا بتوانند مسئله‌شان را از آیت‌الله بپرسند.

بنابراین، دفترم را بستم، تلفنم را برداشتم و روشن کردم و آن گاه، با کوله‌باری از اندیشه و عمل آیت‌الله میلانی، از آن جا خارج شدم.

متن کامل گفت‌وگو را در پایگاه اطلاع‌رسانی جهادگران حوزوی بخوانید.

### [ادامه از صفحه یک]

– اجازه دارم طی مصاحبه، صدای حضرت عالی را ضبط کنم؟

– خیر. نیازی به ضبط صدا نیست.

سپس به همان آقایی که قبلا وقت این مصاحبه را معین کرده بود و همچنین ایشان را با ماشین آورده و سایر کارهای دفتر را انجام می‌داد اشاره نمود تا او مطمئن شود من صدایی را ضبط نمی‌کنم.

برای اطمینان، تلفن همراهم را خاموش کردم و گوشه‌ی میز گذاشتم و گفتم: پس اگر موافق باشید، خودم سوالاتی را که دارم مطرح کنم.

– بله... شما گفته بودید که سوالاتی دارید. بفرمایید. ما در خدمتیم.

– بنده مطالعه کرده بودم و این طور دیدم که پدر بزرگ شریف‌تان، آیت‌الله میلانی بزرگ، کارهای خدایسندانه و عام‌المنفعه‌ی بسیاری داشته‌اند. در مشهد، در سراسر ایران و حتی برای مسلمانان خارج از ایران و در آن فضای سرد و سنگین اروپا، مثل هامبورگ آلمان.

– کاملاً درست است. ان‌شاءالله خدا از ایشان قبول بفرماید.

– خواندم که ایشان به شکل ویژه‌ای برای مردم کم‌برخوردار خانه می‌ساختند و حتی آن خانه‌ها را به نامشان می‌زدند. اسناد و مدارکی در این باب وجود دارد؟

– بله البته. برخی هست و برخی از بین رفته‌اند. با این حال، در یادهای مردم و از همه مهم‌تر در نزد خداوند حاضر است.

کمی سر جای خودم تکان خوردم و پرسیدم: در زلزله‌ی فردوس و کاخک سال ۱۳۴۷، ایشان مردم را بسیج کردند و با کمک‌های مردمی و خیرین، این دو شهر را برای ساکنین‌اش بازسازی کردند. این رفتارها بر اساس چه عقیده و اندیشه‌ای رخ می‌داد؟

– ایشان و همه‌ی علما – این طور نیست که خاص به ایشان باشد – همه‌ی علما و همچنین آقای میلانی بزرگ، فکرشان این بود هر طور که بشود مذهب را ترویج داد، باید وارد عمل شد. یکی از این موارد که می‌تواند مذهب را بین مردم رواج دهد و دین خدا را بشناساند، نشان دادن خیراتی است که در دین و دین‌داری هست. مردم

بینند که آن کسی که داعیه‌دار اسلام است، مدعی سعادت آخرت است، در ساختن دنیا و حل کردن این مشکلات موقتی مردم هم توانا است. اصلاً این توانایی، ناشی از همین عقاید و تفکرات است و این توانایی را خداوند به مؤمنین می‌دهد. البته که هدف از ترویج دین با این کارهای عام‌المنفعه و انفاق، رضایت پروردگار است. هدف این بود.

– شکل و روش فعالیت‌های جهادی و خدمت‌رسانی آیت‌الله میلانی چگونه بود؟ – ایشان از حوزه‌های علمیه و مساجد شروع می‌کردند. در همان زلزله که گفتید، ایشان طلاب را فرستاد تا اول یک چادری بزنند با نام مسجد و بعد از همان جا کارها را سامان بدهند. مسجد را بسازند تا نقطه‌ای برای اصلاح زندگی و اخلاق و روابط مردم باشد. برای تربیت چنین طلابی هم لازم بود حوزه‌ی علمیه در مشهد تأسیس شود که ایشان به نحو احسن به انجام رساند و ان‌شاءالله خداوند اجرشان را بیفزاید.

– چه هدفی پشت ساخت مسجد و مدرسه بود و چه نقشی در ترویج مذهب ایفا می‌کرد؟ – ایشان اعتقاد داشتند که روحانیت، حوزه‌های علمیه و علما، نمایندگان امام زمان هستند و در این باب، وظایفی دارند. بنابراین به طلاب گفته بودند به هر کسی که پرسید برای چه آمدید، از کجا آمدید، بگویند ما از طرف امام زمان آمده‌ایم برای انجام وظیفه، برای خدمت.

در جریان زلزله‌ی فردوس و کاخک، ایشان گفته بود که روی یک تابلو بنویسند که این جا محل استقرار و خیمه‌ی سربازان و نمایندگان ولی عصر است؛ آن را هم بزنند و روبروی همان چادری که به عنوان مسجد شناخته می‌شد.

– بنابراین، ایشان فعالیت‌های بسیاری داشتند که هیچ وقت نامی از آن نمی‌بردند. چون مسئله‌ی اصلی ایشان، جلب رضایت خدا با خدمت‌رسانی بوده است. شما از مسائلی خبر دارید که تا حالا گفته نشده؟

– ببینید، ائمه‌ی هدی علیه السلام، خیلی بیشتر از همه‌ی علما و فقها کارهای این طوری داشتند. بسیاری از آن‌ها هم گفته شده و اگر گفته نمی‌شد، ما هیچ وقت این